

تحلیل شخصیت‌های

«آقای روباه شگفت‌انگیز»*

○ ترجمه: محبوبه نجف‌خانی

دیدن نام رولد دال، روی کتاب، کافی است تا خواننده به انتظار رویارویی با اثر خلاق دیگری بنشیند و بدون شک، هرگز ناامید نخواهد شد. داستان آقای روباه شگفت‌انگیز، تمام ویژگی‌های یک اثر کلاسیک خلاق کودکان را داراست. دال، با استفاده از شش یا هفت هزار کلمه و بدون تخطی از حدود تخیل کودک شش‌ساله، داستانی می‌آفریند با پیرنگی قوی و کامل. فصل‌بندی داستان به گونه‌ای است که می‌توان آن را هر شب، هنگام خواب، برای کودک خواند.

برخی از منتقدان معتقدند که این داستان، بیشتر مورد توجه پسرها قرار می‌گیرد تا دخترها. به نظر یکی از منتقدان، تنها نقطه ضعفی که بر کتاب وارد است، تصویرگری بی‌روح و ملال‌آور «دونالد شفین» است که در کنار کلمات شاد و سرزنده رولد دال، حرفی برای گفتن ندارد.

خلاصه داستان

این فانتزی حیوانات سخنگو، کشمکش میان آقای روباه و سه مزرعه‌دار بدجنس به نام‌های بوگیس، بونس و بین است. زیرا آقای روباه برای تغذیه همسر و چهار فرزندش، مجبور است مرتب، به مزارع این مزرعه‌داران حمله کند و در نتیجه، آن‌ها تصمیم به کشتن او می‌گیرند.

مزرعه‌دار بین، دو مزرعه‌دار دیگر را به طرف لانه آقای روباه راهنمایی می‌کند. در آن‌جا آن‌ها به انتظار می‌نشینند تا به محض آن که روباه سرش را از سوراخ بیرون بیاورد، به او شلیک کنند. هرچند که این حمله غافلگیرانه، به کشته شدن آقای روباه نمی‌انجامد، در اثر شلیک مزرعه‌داران، دم روباه کنده می‌شود.

مزرعه‌دار بین، دوستان خود را تشویق می‌کند تا ورودی لانه را بکنند و خانواده آقای روباه را بیرون بیاورند. اما خانواده روباه، در زیرزمین، نقب عمیق‌تری می‌زنند و مزرعه‌دار بین که از رسیدن به روباه‌ها ناامید شده، پیشنهاد می‌کند که برای





می‌دهد. اما زیاد غذا نمی‌دزدد تا متوجه حضورش نشوند و تمام آثار و علائم ورود خود را پاک می‌کند و ردی از خود به جا نمی‌گذارد. چنین زیرکی‌ای تحسین و تمجید همسر روباه را توجیه می‌کند.

به هر حال، آن‌چه آقای روباه را از کهن الگوی دلقک

متمایز می‌سازد، عشق و علاقه او به خانواده‌اش و نیز سخاوتمند نسبت به حیوانات دیگر است. وقتی گورکن از او می‌پرسد که آیا از دزدی ناراحت نمی‌شود، او به این موضوع اشاره می‌کند که این او نبوده که به مزرعه‌داران حمله و قصد جان‌شان را کرده است، بلکه مزرعه‌داران هستند که چنین قصدی دارند. او بعداً از گورکن می‌پرسد که آیا او کسی را سراغ دارد که برای نجات خانواده‌اش از گرسنگی و مرگ، دست به دزدی زند؟

گرچه برخی از منتقدان، این کتاب را سرشار از طنزی مفرح، اما فاقد اصول اخلاقی می‌دانند، آقای روباه نسبت به اصول اخلاقی، کاملاً بی‌اعتنا نیست. او به سادگی می‌پذیرد که گناه از اوست که گورکن و سایر حیواناتی که در زیرزمین لانه دارند، از گرسنگی در شرف مرگ هستند. از این رو، برای جبران خسارتی که به آن‌ها وارد کرده، همگی را به ضیافتی در لانه‌اش دعوت می‌کند و با سخاوتمندی، امنیت و سعادت‌شان را در آینده

حفری، از بیل مکانیکی استفاده کنند. هنگامی که خانواده آقای روباه، ناامیدانه می‌کوشند تا تونلی دیگر حفر کنند، هر سه مزرعه‌دار با سرعت گودال عمیقی می‌کنند. مزرعه‌داران که از نرسیدن به لانه روباه، حساسی خشمگین شده‌اند، سوگند یاد می‌کنند که آن قدر جلوی لانه روباه منتظر بمانند تا او را بگیرند.

روباها که در لانه‌شان گیر افتاده‌اند، از گرسنگی، روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند. با این حال، خانم روباه به شوهرش اجازه نمی‌دهد تا برای بقای آن‌ها لانه را ترک کند. بنابراین، آقای روباه نقشه‌ای می‌ریزد و براساس این نقشه، آن‌ها، هم می‌توانند در زیرزمین باقی بمانند و هم از گرسنگی نجات یابند.

روباها با کمک چهار فرزندش، تونلی حفر می‌کند که به مرغدانی مزرعه‌دار بوگیس می‌رسد. روباه از آن‌جا سه مرغ می‌دزدد. بعد با کمک گورکن که در اثر حفاری مزرعه‌داران، همراه حیوانات دیگر زیرزمین گیر افتاده، زیر انبار خانه مزرعه‌دار بوس، تونلی حفر می‌کند. او از آن‌جا مواد غذایی موردنیازش را برمی‌دارد و بعد تونل را ادامه می‌دهد تا به سرداب مزرعه‌دار بین می‌رسد که انبار آب‌سیب است. او از آن‌جا نیز چند بطری آب‌سیب، کش می‌رود.

در هر سه مورد، روباه هیچ ردی از ورود خود به‌جا نمی‌گذارد. روباه که قبلاً گورکن، موش کور، خرگوش و جوجه تیغی را همراه با خانواده‌شان، به ضیافتی در منزلش دعوت کرده، به لانه‌اش برمی‌گردد و مورد تحسین و تمجید خانم روباه و میهمانانش قرار می‌گیرد. همان‌جا آقای روباه، اعلام می‌کند که به سبب تونل‌هایی که حفر کرده‌اند، از نظر تأمین مواد غذایی، دیگر مشکلی ندارند و هیچ حیوانی مجبور نیست برای تهیه غذا جانش را به خطر بیندازد و به سطح زمین برود و همه می‌توانند تا آخر عمر همان‌جا بمانند.

سه مزرعه‌دار، بی‌خبر از ضیافتی که در زیرزمین برپاست، مقابل ورودی لانه روباه، همچنان بیهوده به انتظار می‌نشینند.

شخصیت پردازی

چون آقای روباه نسبت به خانواده‌اش متعهد است و مزرعه‌داران، چه از نظر ظاهر و چه از نظر رفتار نفرت‌انگیزند، لذا خواننده در طول این کشمکش تنش‌زا، با حیوانات احساس همدردی می‌کند.

گرچه منتقدان، روباه را با شخصیت رینارد قرون وسطایی مقایسه کرده‌اند، آقای روباه، بیشتر به شیادی کلیشه‌ای شباهت دارد.

از نظر سنتی، او حیوانی است زیرک و برای این که به دام نیفتد، هرگاه که به مزرعه‌ها نزدیک می‌شود، احتیاط پیش می‌گیرد و زمانی را انتخاب می‌کند که باد از رو به رو بوزد. بعداً، او با حفر تونل‌هایی به زیر سه مزرعه، نبوغ خود را نشان





فراهم می‌سازد و این ضیافت، زمانی برپا می‌شود که مزرعه‌داران، بیرون لانه به انتظار نشسته‌اند و نقطه اوج داستان نیز همین جاست. آقای روباه، علاوه بر رفتار زیرکانه‌اش، مرد ایده‌آلی برای خانواده و رهبری خوش فکر برای جامعه‌اش به حساب می‌آید.

خانم روباه، همسری است محتاط و دوست‌داشتنی. او عاقلانه به شوهرش گوشزد می‌کند که مزرعه‌داران تلاش دارند او را با حیله از سوراخش بیرون بکشند و لذا به او توصیه می‌کند که از آن‌ها غذا کش نرود. با وجود این، هر بار، پس از دله‌زدی‌های روباه، زیرکی او را می‌ستاید و به او می‌گوید که روباه شگفت‌انگیزی است.

ظاهر و رفتار سه مزرعه‌دار ناخوشایند، به گونه‌ای است که آن‌ها را شخصیت‌هایی سنگدل و بی‌عاطفه نشان می‌دهد. برخلاف آقای روباه غیرافراطی که رژیم غذایی متفاوتی را برای خانواده‌اش در نظر می‌گیرد، هر سه مزرعه‌دار با ولع تمام، همان برنامه غذایی هر روزه‌شان را پیش می‌گیرند.

نفرت، سبب بروز چنین رفتاری

در آن‌هاست و این نفرت، با عشق راستین آقای روباه نسبت به خانواده‌اش و سعادت آن‌ها در تقابل قرار می‌گیرد. مزرعه‌دار بوگیس، پرورش‌دهنده چاق و عظیم‌الجثه مرغ و خروس، هر روز، در هر وعده غذا، سه مرغ را به صورت پیراشکی می‌بلعد.

مزرعه‌دار بونس، کوتوله شکم‌گنده‌ای است که غاز و اردک پرورش می‌دهد. غذایی پیراشکی جگر غاز است؛ رژیم غذایی‌ای که معده‌اش را به هم می‌ریزد و بداخلاقش می‌کند.

مزرعه‌دار بین که بوقلمون پرورش می‌دهد و باغ سیب دارد، نسبت به سایرین دارای شخصیت خاصی است. مردی است لاغراندام که به جای غذا خوردن، گالن گالن آب سیب می‌نوشد و در اثر این افراط‌کاری، لثه‌های کبودش بیشتر در معرض دید قرار می‌گیرد تا دندان‌هایش. مزرعه‌دار بین، به طرز نفرت‌انگیزی کثیف است. هرگز حمام نمی‌رود و خود را نمی‌شوید. در نتیجه، گوش‌هایش با انواع و اقسام موم و کثافت و ذرات آدامس و حشره مرده انباشته شده و همین باعث گشته است تا حدی کر باشد. به علاوه، او

فاقد رفتاری مناسب است. برای مثال، هر وقت حرف می‌زند، با دقت، انگشتش را توی دماغش می‌کند و هر جا دلش بخواهد، آب سیب می‌نوشد، اما هرگز فلاسک آب سیبش را به دوستانش تعارف نمی‌کند. مزرعه‌دار بین، به رفقاییش اهانت می‌کند. برای مثال، وقتی می‌کوشد بونس را تشویق کند که وارد سوراخ روباه شود، خپله صدایش می‌زند. در ضمن، او دروغگو نیز هست. وقتی بوگیس او را متهم می‌کند که چرا پیش‌بینی نکرده بود که روباه می‌تواند درست میان تپه لانه بکند، او وانمود می‌کند که قبلاً همه جوانب را در نظر گرفته است. او سپس طوری ترتیب کار را می‌دهد که تپه را محاصره کنند.

نفرت شدید مزرعه‌دار بین که کم و بیش، او را به جنون می‌کشاند، در ایجاد هیجان شگرف پیرنگ رولد دال، سهم به‌سزایی دارد. در عین حال، نفرت این مزرعه‌دار، حد و حدود ماهیت ابلهانه این مرد به ظاهر زیرک و همراهانش را آشکار



می‌سازد.

مزرعه‌دار بین، تشخیص نمی‌دهد که سوگند او برای ماندن جلوی سوراخ روباه تا دستگیری او، درواقع، باعث بقای آقای روباه و خانواده‌اش می‌شود.

آقای روباه که در زیرزمین تا زمان نامحدودی محبوس گشته است، با خیال راحت، می‌تواند در مزرعه‌هایی که بدون محافظ مانده‌اند، رفت و آمد کند و هر وقت دلش بخواهد، غذا بدزدد.

منابع:

۱- children Literature, Review, Vol. ۷.

۲- characters in children Literature, Raymond

E. Jones. Gale, ۱۹۹۷.

* دال، رولد. آقای روباه شگفت‌انگیز. ترجمه ساغر صادق‌ان، تهران:

نشر مرکز، کتاب مریم، ۱۳۸۰.